

نجوا با عاشورا

<"xml encoding="UTF-8?">

نجوا با عاشورا و سخنی در ابعاد و اکنون را با یاری بس گران و طاقت سوز، از اندوهان و تجربه ها و چگونگی رویدادها... . دوست دارم با عاشورا نجوا کنم، و در معبر جلیل این حضور عظیم، سر بر آستان لحظه های صیورتهای متعالی نهم، و فیضان ایات عدل را در این منشور خونین لمس کنم، و دردهای تراکم یافته در استخوان انسان محروم و مظلوم را، و مظلومیت تعالیم مغفول و مکتوم را ، با فریاد باز گویم، و همه ی بیدادهایی را که ستمدیدگان رفته است و می رود - دوباره - در گوش عاشورا زمزمه کنم، و خون دلی را که برگونه های انسان بی پناه روانست بر لوح عاشورا بنگارم ... و لحظه هایی در جاذبه ی این حضور شگرف انسانیت محو کردم:

عاشورا حضور شگرف انسانیت است در هر جا و هر روز...
عاشورا مائده ی بزرگ روح انسان است ، در تداوم اعصار ...
عاشورا محتوای راستین زمان است، در ملکوت زمین...
عاشورا ضربان قلب خورشید است، در سینه ی خاک ...
عاشورا صیورت روح کلی است ، در تکاپوی پرشکوه تکلیف...
عاشورا تجسم اعلای وجدان بزرگ است ، در دادگاه روزگار...
عاشورا ذات متعالی ارزش است، در مقایسهها، هر مقیاس...
عاشورا عظمت سرشاری لحظه هاست، در فوران بزرگ سپیده...
عاشورا حضور نور است، در سیطره ی بی امان ظلمت...
عاشورا صلابت شجاعت انسان است، در تجلیگاه ایمان...
عاشورا جاری سیال مناجات است در محراب حماسه...
عاشورا طواف خون است، در احرام فریاد...
عاشورا تجلی کعبه است ، در میقات خون...
عاشورا بلوغ روز است، در استلام آفتاب...
عاشورا شفق خونبار است، در فجر آگاهی ...
عاشورا روح توفانگر عدالت است ، در کالبد آفاق...
عاشورا بارش خونین لحظه هاست، بر ارواح خروشان...
عاشورا نقش بیدار گذرها و رهگذرهاست. در کاروان دراز آهنگ زندگی ها و عبورها...
عاشورا نجوای بزرگ صخره هاست، در دشتها و هامونها
عاشورا باز خوان تورات و انجیل و زبور است ، در معبد اقدام...
عاشورا ترتیل ایات قرآن است، در الواح ابدیت ...
عاشورا دژ نگهبانی تعالیم وحی است، در آفاق زمان ها ...
عاشورا خون خداست، جاری رگهای تنزیل ...

عاشورا اعلان ان الله يأمر بالعدل است ، و پشتوانه ليقوم الناس بالقسط ...

عاشورا حنجره ی خونین کوه حرا ست . در ستیغ ابلاغ ...

عاشورا درگیری دوباره ی محمد(ص) است، با جاهلیت بنی امیه و شرک قریش ...

عاشورا تجدید مطلع رجزهای بدر است و حنین

عاشورا خطّ بطلان است بر موجودیت دوباره ی احزاب و خیبر ...

عاشورا انفجار نماز است در شهادت و انفجار شهادت است در نماز

عاشورا راز حبّ ازلی است، در افشایی شکوهمند...

عاشورا قتلگاه اشباح توحید است ، در مصاف تجسم شرک...

عاشورا تبلور شکوهزاد جاودانگی حقّ است، در تباهستان نابود باطل...

عاشورا نماز شب یازدهم است، در سکوت خروشان خیمه های سوزان ...

عاشورا هشدار خونین حسینیّه هاست ، در معبر اقوام...

عاشورا رمز بقای دین اسلام است وبر قراری ایین حق (حسین منّی و انا من حسین)

عاشورا خروش تندر آسای عدل است ، د رکلیت ناچیز کاخ دمشق، و سپس کلیت ناچیز همه کاخ ها و قدرتها...

عاشورا نفی همه ستم ها و پلیدیها و پستی ها و فجورها و ظلم ها و حق کشی ها ست ، به هر نام و در هر

عملکرد...

عاشورا فریاد گسترانسانهای مظلوم است ، در همه ی تاریخ ...

عاشورا غمگسار سترگ یتیمان و کوخ نشینان است؛ در هر جای زمین ...

عاشورا دست نوازش انسانیت است، بر سر بی پناهان ...

عاشورا رواق سرخ حماسه است، در تاریکستان سیاهی و بیداد...

عاشورا قلب تپنده دادخواهان است، در محکمه ی بشریت ...

عاشورا طنین بلند پیروزی است، در گوش آبادی ها...

عاشورا شهادتی است تابیده، برچکادهای افراشته ی پیروزی...

عاشورا رسالتی است بزرگ ، بر دوش اسارتی رهایی بخش ...

عاشورا خروش طنین افکن آزادگی است ، در زندگی ...

عاشورا بانگ رسای همه ی انسانهاست، در همه ی تاریخ ، از همه ی حنجره های پاک خدایی...

عاشورا آبروی نمازگزاران است و عزّت مسلمانان ...

و سرانجام ، عاشورا ، رکن کعبه است و پایه ی قبله و عماد امت و حیات قرآن، و روح نماز و بقای حج و صفای

صفا و مروه و جان مشعر و منی ...

و عاشورا ، هدیه ی اسلام است به بشریت و تاریخ ...

آری، عاشورا، از لحظه ی آغازین خویش ، یعنی ترک مگّه در روز ترویه (روز هشتم ماه ذیحجه که مسلمانان متوجه

مگّه مکرمه اند ، و هر کس که امکاناتی دراد می کوشد تا در حج شرکت جوید ، بویژه مجاوران) ، زلزله ای

خروشناک و گسترنده بود، که معیارها را دگرگون کرد، و پرچم رسالتی بزرگ را برافراشت ، و مرزهای صیانت قرآن را

استوار گردانید ، و بنیاد جامعه ی منحرف اسلامی آن روز را (که از سیاست قرآنی و تربیت و اخلاق قرآنی دور

افتاده بود ، و خصلتهای جاهلیت از نو در آن زنده شده بود، و تبعیض و تفاوت در آن حضور داشت، و سستی و

مردگی بر آن حکومت می کرد)، به لرزه درآورد... عاشورا حاکمیت ضدّ قرآنی دربار دمشق را مطرود اعلام نمود. افکار تخریر شده را به خود آورد. آن دسته از اصحاب پیامبر (ص) و عالمان و محدّثان و بزرگان مسلمین را که می پنداشتند در برابر اوضاع انحرافی جامعه ی اسلامی هیچ تکلیفی ندارند، محکوم کرد. زهد پیشگان صوفی مشرب را (که محصول نفوذ فرهنگهای بیگانه در اسلام و - اغلب - موید ستمکاران و موجب تخریر اذهان و سستی در حرکت های اجتماعی و انقلابی بودند) رسوا ساخت. اعتبار و اعطان و عالمانی را که در جوّ اختناق زندگی می کردند پذیرای ذلّت بودند کاست. ماهیت اسلام را که حاکمیت حق و عدالت است از نو مطرح کرد. حکومت تحمیلی و صد در صد غیر مشروع یزید را باطل خواند. نظام انبیایی فراموش شده را که شالوده ی آن بر اجرای عدالت. در همه جا و برای همه کس است به یادها آورد. خصلت های جاهلیت را که زنده شده بود به سوی نابودی راند. به نسلهای پر شور جوان تفسیر زندگی آموخت. بی ثمری کار عالمان و فقیهانی را که در مسجدها و مدرسه های تابع حکومت ظالم به کار علم و درس مشغول بودند نشان داد. پوچی عمر عابدان و زاهدانی را که به زهدی گسسته از تعهّدهای اجتماعی و تحرّکهای اقدامی دل خوش کرده بودند برملا ساخت. نشان داد که دین خدا امانت الهی است که هر گاه زمامداران در نگاهداری آن خیانت کنند، هیچ چیز مهمتر از مبارزه با آنان نیست. یادآور شد که انسان ودیعه ی خدایی است که هرگاه حاکمیت ها مسیر او را منحرف سازند، مهمترین تکلیف ایستادن در برابر آنهاست. اذانهایی بی محتوا ی آن روز را محتوا بخشید. نمازهای بی خروش آن روزگار را تغذیه کرد. زندگی با ظالمان را که به جز غرق شدن در منجلاب تسلیم و انحراف و ذلّت پذیری چیزی نیست؛ از مرگ بدتر خواند. مرگ در راه آزادی و عدالت را سعادت کامل خواند. مرگ در راه آزادی و عدالت را سعادت کامل دانست. رسالت انسان را یادآوری کرد. حماسیه ی قرآنی را تحقق بخشند. جوهر تزکیه و تعلیم را که رکن رسالت الهی است به تبلور آورد. روزهای یکسان گذر بی خورشید را از افسردگی رهانید. همتهای سست آسایش طلب را منفور ساخت. مردانگیها و دلاوریها را رواج داد. آیات جهاد را بر در و دیوار آبادیها نقش کرد. حماسه ی نمازگزاران را، در آفاق موجودیت انسان و تاریخ، با جلالتی آسمانی، بر فراز قلّه ی عظمتهای راستین برنشانند.

عاشورا، فریادهای شورگستر پیامبران را، دوباره در گوشهای سنگین فرود آورد؛ و خون قرآن را در قلبهای مرده جاری ساخت. اذانهها و نمازها را از زیر غبار تحمیلی سیاستهای تخریر آموز درآورد و جلا داد، جان ها و روانها را از حضور بی حاصل در عرصه ی زندگی های مذلّت بار بیرون کشید.

... هر کجا و هر کس با خود می گفت: عاشورا! شهادت پسر پیامبر! اسارت دختران پیامبر! چرا؟ و برای چه؟ و این خروش صخره های ساحل فرات بود که دلها را می لرزاند و از جا می کند، و این انفجار بیدارگر خونی بود که در زمزمه ی مناجات سحرگاهان راه یافت، و سپیده دمان را طلایه دار اعلام حضور خویش ساخت، و روزها را از تلاّو شکوهمند تعهّد و رسالت بپا کند، و در واژههای زندگی ساری گشت...

عاشورا، شهادت پسر پیامبر، اسارت دختران پیامبر، و آواره گرداندن آنان در شهرها و بیابانها و حاضر نمودن آنان با غل و زنجیر. در دربار دمشق، در حضور حاضران دربار یزید، به همراه اظهار شادمانی از فتح و پیروزی و غلبه بر فرزندان پیامبر چرا؟ و برای چه؟ این سوّالی بود که افکار را به خود مشغول می داشت، و سینه ها را می جوشاند ... تا خطبه های علی وار بانوی کربلا، و سخنرانی ولی خدا (در اجتماع شام، در مرکز حاکمیت حزب اموی و پهنه ی نفوذ فرهنگ جاهلیت سفیانی)، ماییم فریادگران راستین اذان، و حاملان راستین قرآن...

و بدینگونه عاشورا از رمز شهادت و اسارت گذشت، و بر فراز قلّهای جاودان رسالت جای گرفت، رسالت احیای قرآن و نجات انسان. و بدینگونه عاشورا دوباره جوّ نزول قرآن را بازسازی کرد، و سیاهیهای متراکم جاهلیت را زدود. و

نجات این کتاب آسمانی را از همه ی تمهیدهای الحادی و حذفهای تعبیه شده ی اموی تضمین نمود. قرآن یک بار دیگر از حنجره ی عاشورا تلاوت شد، تا هیچگاه . آری هیچگاه فراموش نگردد. و فراموش نمی گردد، تا وارث کبیر عاشورا بار دیگر آن را عملی گرداند. زندگیها را تطهیر کند، و زندگی قرآنی را نمودار سازد و معنای حکومت اسلامی را نشان دهد...

و اکنون ما مسلمانیم و دو تجدید نظر ضروری ، یعنی دو تکلیف بزرگ، در برابر عاشورا:

الف - تجدید نظر در شناخت عاشورا، شناختی ژرف و گسترده ، و رابطه ی آن با اهداف پیامبران و آرمانهای قرآن، و سپس شناساندن آن به همه ی انسانها به نام یک وظیفه ی بزرگ انسانی ، و یک اقدام سترگ اسلامی.

ب - تجدید نظر در چگونگی بهره وری از عاشورا، و بهره رسانی به انسانها به وسیله ی آن و برگزاری مراسم آن ، و مناسبات متصدیان آن، و شرایط ضروری و بسیار مهم و لازم الرعایه ی وعّاظ حسینی و ذاکران و مدّاحان و هیأت‌های عزاداری، و چگونگی اشعار و ادبیات عاشورا، و خلاصه ؛ بازسازی فرهنگ عاشورا ، در جهت هر چه بیشتر عمق بخشیدن به آن ، و بهره رسانی و شناخته شدن و سازندگی بوسیله ی آن، و گسترش دادن نفوذ آن، در نسلها و عصرها... به منظور رهایی خلقها از باطل و ستم و رسیدن به حق و عدالت ...